

## غربت‌نشینی ایرانیان<sup>۱</sup> با نگاهی به مسائل اجتماعی مهاجران ایرانی در سوئد<sup>۲</sup>

### اسداله نقدی\*

یکی از شاخص‌های جهانی شدن، ظهور «جوامع چندفرهنگی» و «شهرهای جهانی» ناشی از مهاجرت‌های وسیع است. امروزه از هر ۳۵ نفر سکنه جهان یک نفر در سرزمین دیگری غیر از زادگاه مادری زندگی می‌کند، از این رو سازمان ملل متحد قرن حاضر را عصر بزرگ‌ترین جابه‌جایی انسانی در تاریخ تمدن بشری نامیده است. هرچند در مورد ایرانیان خارج از کشور آمار دقیقی وجود ندارد، اما منابع رسمی آن را ۳ تا ۵ میلیون نفر برآورد می‌کنند. بنابراین، مطالعه مسائل ایرانیان خارج از کشور توسط محققان داخلی علوم اجتماعی ضروری است، زیرا بیشتر تحقیقات داخلی بر سنجش تمایلات، عوامل مؤثر و انگیزه‌ها (مهاجران بالقوه) و عموماً با تمرکز بر نخبگان برده و کمتر مطالعه پسینی بر روی مهاجران خارج از کشور (مهاجران بالفعل) و مسائل اجتماعی آنها صورت گرفته است. تحقیق حاضر تلاشی است در این راستا و با استفاده از روش ترکیبی، برخی مسائل اجتماعی مهاجران ایرانی سوئد مانند: وضعیت اشتغال، ازدواج، طلاق، آموزش، دوره‌های مهاجرت و علل آن، رضایت از زندگی و نیز تصور از نگرش جامعه میزبان، میزان سازگاری، احساس خارجی بودن و سرانجام تمایل به بازگشت را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی مهاجرت، ایرانیان سوئد، مسائل اجتماعی مهاجران.

#### 1. The Iranian Diaspora

۲. این مقاله از گزارش فرصت مطالعاتی نگارنده به کشور سوئد، انستیتو مهاجرت‌های بین‌المللی و روابط قومی (IMER) استخراج شده است.

Naghdi@basau.ac.ir

\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی‌سینا

## مقدمه

مهاجرت‌های بین‌المللی مهم‌ترین خصیصه قرن بیستم بوده است و نشانه‌ها حاکی از ادامه چالش‌ها و فرصت‌های آن، هم برای جوامع میزبان و هم برای جوامع مهاجرفرست، در قرن بیست و یکم است (سازمان ملل ۲۰۰۰:۵۴). بنا به اعلام سازمان ملل متحد، اکنون حدود ۲۰۰ میلیون انسان در سرزمینی غیر از موطن خود زندگی یا کار می‌کنند (همان)، به همین دلیل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۸ دسامبر را روز جهانی مهاجران نامیده و نیز سازمانی با عنوان سازمان بین‌المللی مهاجرت<sup>۱</sup> را، برای پرداختن به این مهم، ایجاد کرده است. علت این نامگذاری و تأسیس سازمان‌های بین‌المللی، افزایش تعداد مهاجران و چالش‌های بسیاری است که در کشورهای مهاجرپذیر و به‌ویژه در جوامع میزبان، به دلیل تداخل فرهنگی ناشی از حضور مهاجران، رخ می‌دهد.

طی دو دهه گذشته از کشورهای افغانستان، پاکستان و ایران بیش از ده میلیون نفر مهاجرت کرده و در کشورهای دیگر سکنی گزیده‌اند. همچنین، میلیون‌ها چینی را در همه جای اروپا می‌توان یافت. آمریکا و کانادا نیز به کشور مهاجران تبدیل شده‌اند. هشدارهای اداره مهاجرت آمریکا نشان می‌دهد که موج گسترده‌ای از مردم مکزیکی روانه آمریکا هستند<sup>۲</sup> و احتمال می‌رود تا بیست درصد کل جمعیت مکزیکی مهاجرت کنند. اروپا نیز وضعیت مشابهی دارد و جمعیت اقلیت‌هایی مانند مسلمانان در غالب شهرهای اروپایی چشم‌گیر است. برای درک آماری این رخداد کافی است تصور کنیم که بیست درصد ساکنان کانادا در خارج از این کشور متولد شده‌اند. همچنین، در سال ۲۰۰۶، ۱۵/۳ میلیون نفر معادل ۱۸/۶ درصد از کل جمعیت آلمان را افراد با پیشینه مهاجرت (خارجی تبارها) شامل می‌شدند. در انگلستان و فرانسه و استرالیا نیز وضعیت مشابهی قابل مشاهده است و حتی برخی اسلامی شدن اروپا یا مکزیکی شدن آمریکا را مطرح می‌کنند. جریان مهاجرت زنان فیلیپینی به بیش از ۱۳۰ کشور جهان نمونه دیگری است. برخی نویسندگان نیز زنان و مهاجران را خادمان جهانی شدن معرفی کرده‌اند (پارناس ۱:۱۹۹۹).

### طرح موضوع (چارچوب نظری تحقیق)

اگرچه مهاجرت در چند دهه اخیر از مسائل عمده اجتماعی ایران بوده است، متأسفانه تاکنون به شکل درخور و شایسته به این مهم و به‌ویژه به مسئله ایرانیان خارج از کشور از ابعاد

1. IMO (International Migration Organization)

۲. اخیراً ساموئل هانتینگتون در یکی از جدیدترین مقالات خود نسبت به مکزیکی شدن آمریکا هشدار داده است و از برهم خوردن رؤیای آمریکایی انتقاد کرده است (هانتینگتون ۱۳۸۷).

اجتماعی، حقوقی و اقتصادی<sup>۱</sup> پرداخته نشده است. تحقیقات انجام‌شده در ایران بیشتر ناظر به مهاجرت نخبگان و با به‌کارگیری چارچوب نظری جاذبه-دافعه و عمدتاً با استفاده از مدل مهاجرتی لی<sup>۲</sup> بوده است (خواجانه‌نوری ۱۳۸۵: ۴۷؛ رشنو ۱۳۸۳؛ طیبی‌نیا ۱۳۸۱؛ شعبانلو ۱۳۸۰؛ شریفی ۱۳۸۳). مهاجرت، اعم از مهاجرت به داخل و یا مهاجرت به خارج کشور، همواره با مسائل و پیامدهای بسیاری همراه است. درحالی‌که ایران خود کشوری مهاجرپرست<sup>۳</sup> است و نرخ مهاجرت از آن نسبت به جمعیت بسیار بالاست<sup>۴</sup>، درعین حال از عمده‌ترین جدول ۱. ده کشور برتر جهانی از بعد میزبانی مهاجران طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶

۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۶
ایران	پاکستان	پاکستان	پاکستان
پاکستان	ایران	ایران	ایران
آلمان	آلمان	آلمان	امریکا
تانزانیا	تانزانیا	تانزانیا	آلمان
آمریکا	آمریکا	آمریکا	اردن
یوگسلاوی	یوگسلاوی	یوگسلاوی	
گینه	گینه	گنگو	
سودان	سودان	سودان	
ارمنستان	کنگو	چین	
چین	چین	زامبیا	

(مأخذ: سازمان ملل ۲۰۰۳: ۲۰۵ و مارتین ۲۰۰۸: ۱۷)

۱. تنها کافی است به میزان تبلیغ‌های خرید املاک در دوبی، اسپانیا، قبرس و نظایر آن در شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور و به حجم این گردش اقتصادی توسط ایرانیان خارج از کشور از بُعد اقتصادی توجه شود.

## 2. Everett Lee

۳. البته نه به معنای دقیق جمعیت‌شناسی و حاصل موازنه مهاجرت از داخل و مهاجرت به خارج.  
 ۴. محمد قائمی در همایش «مهاجرت غیرمتعارف» با اعلام این‌که در حال حاضر دو میلیون مهاجر غیرقانونی و یک میلیون مهاجر قانونی در کشور وجود دارد که ۹۱ درصد آنها اتباع افغان هستند به وجود ۲۲۰ هزار دانش‌آموز و ۱۵ هزار دانشجوی افغان در ایران اشاره کرد و یادآور شد: دولت ایران در حال حاضر برای تأمین یازده‌های سوخت، بهداشت، آموزش و سایر هزینه‌های اتباع مجاز و غیرمجاز بیش از شش میلیون دلار به صورت روزانه صرف می‌کند.

([http://bafia.moj.ir/portal/Home/showpaye.aspx?object=News\\_IDf44=19952880-ofa2-48cc-b713](http://bafia.moj.ir/portal/Home/showpaye.aspx?object=News_IDf44=19952880-ofa2-48cc-b713))

کشورهای مهاجرپذیر دنیا نیز محسوب می‌شود (جدول شماره ۱). تنها در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ دو میلیون و نه‌صد هزار مهاجر افغان وارد ایران شدند (عباسی شوازی<sup>۱</sup> ۴:۲۰۰۸) و میلیون‌ها مهاجر سالیان دراز در ایران اقامت داشته‌اند و هنوز هم در ایران زندگی می‌کنند.<sup>۲</sup>

برخلاف دهه‌های قبل، اکنون نگاه به پدیده مهاجرت از نگاهی بخشی و تک‌ساحتی به یک رهیافت بین‌رشته‌ای<sup>۳</sup> بدل شده است و امروز رشته‌های گوناگون علمی در تعامل با هم به مطالعه این پدیده می‌پردازند. جدول شماره ۲ نمونه‌ای از این نگرش‌ها را ارائه داده است. الگوها و روندها در مهاجرت بیانگر آن هستند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مهاجرتی را تبیین کرد، بلکه ماهیت چندوجهی مهاجرت نیازمند نظریه پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را دربرگیرد (کاظمی‌پور ۱۳۸۶:۱۳۴).

موضوع مهاجرت را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. مهاجرت از نقطه نظر تاریخی، فلسفی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موضوعی در خورد مطالعه و تحقیق است (میرزائی، ۱۳۸۴:۵۹). علاوه بر رشته‌ها و حوزه‌ها، مکاتب گوناگون نیز به مهاجرت تا حدودی متفاوت نگاه می‌کنند: برای نمونه دو دیدگاه کارکردگرایی و وابستگی مهم‌ترین رویکردهای کلاسیک به مهاجرت هستند. در کنار این دو رویکرد، نظریه سیستمی مهاجرت نیز طرفدارانی دارد (زنجانی ۱۳۸۰:۱۲۲؛ جمشیدیها و علی بابائی ۱۳۸۱:۷۶؛ کاستلز و میلر<sup>۴</sup> ۱۹۹۸:۲۰). همچنین، نظریات مربوط به تئوری مهاجرت بین‌المللی و بحث جدید جهانی شدن و مهاجرت و غربت‌نشینی به عنوان یکی از ویژگی‌های مطالعات مهاجرت در قرن بیست و یکم به شمار می‌روند (برای نمونه: ساسن<sup>۵</sup> ۲۰۰۱؛ هلد<sup>۶</sup> ۲۰۰۰؛ والترز<sup>۷</sup> ۲۰۰۲؛ برتل<sup>۸</sup> ۲۰۰۸؛ پازناس<sup>۹</sup> ۱۹۹۹)، که در ذیل مختصری از دیدگاه‌های فوق معرفی می‌شود.

### 1. Abbasi Shavazi

۲. دکتر شعر دوست دبیر شورای عالی ایرانیان خارج از کشور در نهاد ریاست جمهوری این تعداد را ۵ میلیون نفر اعلام کرده‌اند.

### 3. Migration Theory: talking across disciplines

4. Castles & Miller

6. Held

8. Brettell

5. Sassen

7. Walterz

9. Parnas

## جدول ۲. نوع نگاه رشته‌های گوناگون علمی به مهاجرت

رشته	سؤال پژوهش	سطح و واحد تحلیل	تئوری غالب	نمونه‌ای از فرضیات
جامعه‌شناسی	چه‌تیبینی مناسب انفجارهای مهاجرتی است یا چرا مهاجرت اتفاق می‌افتد	کلان / گروه‌های قومی و طبقه اجتماعی	ساخت‌گرا/ نهادگرا	مهاجرت بر سرمایه اجتماعی و انسانی مهاجران تأثیر می‌گذارد
انسان‌شناسی	تأثیرات فرهنگی مهاجرت بر تغییرات فرهنگ و هویت چیست	خرد/ فردی، خانوار و گروه	ارتباطی/ ساختی بین‌ملتی	شبکه اجتماعی به حفظ تفاوت‌های فرهنگی کمک می‌کند
جمعیت‌شناسی	مهاجرت چه تأییراتی بر تغییرات جمعیتی دارد	کلان/ جمعیت‌ها	عقلانیت/ وام‌گرفته‌شده از اقتصاد	مهاجرت بر اندازه و ساخت جمعیت تأثیر بزرگی دارد
اقتصاد	چه تیبینی برای مهاجرت و اثرات آن (از بعد اقتصادی) وجود دارد	خرد/ فردی	عقلانیت‌گرا/ هزینه-فایده. رفتار مبتنی بر حداکثر بهره‌برداری	با توجه به سطوح متنوع سرمایه مهاجران (انسانی، مالی و بازار کار) مهاجرت تحت چه شرایطی انجام می‌شود
جغرافیا	چه چیزی توزیع جغرافیایی مهاجرت را تبیین می‌کند	کلان/ خرد/ فردی گروه، خانوار...	عقلانی/ ساختاری بین‌ملتی	بین شبکه قومی و الگوی اقامت همبستگی وجود دارد
حقوق	قانون چه اثری بر مهاجرت دارد	خرد/ کلان نظام سیاسی و حقوقی	نهادگرا/ عقلانی برگرفته شده از علوم اجتماعی غالب	حقوق، به ایجاد ساختار مؤثر برای حمایت مهاجران منجر می‌شود
علوم سیاسی	چرا دولت‌ها در کنترل مهاجرت مشکل دارند	بسیار کلان/ بین‌المللی	نهادگرا و عقلانی	دولت‌ها اغلب به منافع ناشی از مهاجران توجه می‌کنند

(مأخذ: برتل و دیگران ۲۰۰۸: ۴ و ۳)

دیدگاه اقتصادی: از نظر اقتصادی، مهاجرت اعم از داخلی و بین‌المللی، مکانیزمی برای بازتوزیع نیروی کار است (زنجانلی ۱۳۸۰: ۱۲۱). اقتصاددانانی چون هاریس<sup>۱</sup> و تودارو<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) این نظریه را کمی تغییر دادند و تئوری جدیدی را با عنوان نئوکلاسیک‌ها مطرح کردند. بر پایه این نظریه، هر جا عرضه نیروی کار بیش از سرمایه باشد، دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد، دستمزدها سیر صعودی می‌یابد. این وضع، مهاجرت نیروی کار از منطقه نخست به منطقه دوم را برمی‌انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند (نقل از همان: ۱۲۱). به‌طورکلی می‌توان بیان کرد که دیدگاه اقتصادی از توسعه نابرابر منطقه‌ای و تحلیل‌های هزینه و فایده برای تبیین مهاجرت استفاده می‌کند.

دیدگاه اجتماعی: اگرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت اهمیت بسیار بالایی دارند، همواره نمی‌توان آنها را عوامل منحصربه‌فرد برانگیزاننده مهاجرت محسوب کرد. در مواردی مهاجرت

1. Haris

2. Todaro

برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی صورت می‌گیرد و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی میان جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می‌شود که ممکن است نه تنها فاقد انگیزه‌های اقتصادی باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۲۸).

دیدگاه اجتماعی در مطالعات مربوط به مهاجرت اهمیت به‌سزایی دارد. ادغام یا تک‌افتادگی، شبکه روابط اجتماعی مهاجران، تأثیرات مهاجرت بر مناسبات خانوادگی و روابط نسلی، تنش‌های ناشی از تغییر شرایط و پایگاه مهاجران، اجتماعات<sup>۱</sup> مهاجران در مقصد و آسیب‌های اجتماعی و نظایر آن در این دیدگاه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

دیدگاه سیاسی: تبیین مهاجرت با نگرش‌های سیاسی در وهله اول به قوانین و مقرراتی برمی‌گردد که معمولاً به صورت یک‌طرفه از سوی کشورهای مهاجرپذیر برای تسهیل پذیرش مهاجران از بعضی از سرزمین‌ها و جلوگیری و محدودکردن آن از برخی دیگر انجام می‌گیرد. علاوه بر آن، قوانین و مقرراتی نیز برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده‌شده و پناهندگان وجود دارد که در اغلب آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می‌شود. اگرچه در مواردی چون پذیرش مهاجران رانده‌شده یا پناهندگان، به جنبه‌های انسانی و بشردوستانه نیز تأکید می‌شود، در این موارد نیز ملاحظات سیاسی اولویت‌های دیگر را تحت شعاع قرار می‌دهد (زنجانی ۱۳۸۰: ۲۹ و ۱۲۸). یک جنبه از دیدگاه سیاسی مهاجرت، نقش تصمیم‌گیری دولت در مورد مهاجرت است. امروزه کشورهای جهان در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و همچنین نظام‌های سیاسی از یکدیگر متفاوتند و این تفاوت‌ها بر سیاست‌های مهاجرتی آنها اثر می‌گذارد، چنان‌که برخی از کشورها سیاست برون‌کوچی را تشویق می‌کنند یا این‌که ممکن است دولتی مهاجرت را ممنوع کند. علاوه بر این، مهاجرت از لحاظ ساخت و چگونگی توزیع قدرت در دیدگاه سیاسی نیز اهمیت دارد.

اگر عده مهاجران زیاد باشد و از میان قشرهای حساس و مهم جمعیت برخاسته باشند، بر ساخت و چگونگی توزیع قدرت، هم در جوامع مبدأ و هم در جوامع مقصد اثر می‌گذارند (والرشتاین ۱۹۶۵ به نقل از لهسائی زاده ۱۳۶۸: ۱۰۹). مهاجرت مسلمانان، آفریقایی‌ها، سیاهان و مکزیکی‌ها دارای پیامدهای سیاسی است. به عنوان نمونه، اثر مهاجرت سیاه‌پوستان به آمریکا در انتخابات اخیر این کشور بارز بود. یکی از جنبه‌های غیرملموس مهاجرت‌های سیاسی، به ترکیب قومی، نژادی و فرهنگی کشورهای مهاجر برمی‌گردد (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۲۹).

به‌طورکلی، این دیدگاه به نقش دولت و سیاست در مهاجرت تأکید می‌کند و بیشتر در تبیین مهاجرت‌های بین‌المللی کاربرد دارد.

دیدگاه سیستمی: یکی از دیدگاه‌های معتبر مهاجرت، رهیافت سیستمی است که براساس انتقاد از نظریات کلاسیک (به‌خصوص رهیافت کارکردگرایی) و رهیافت تضاد به وجود آمده است. طرفداران این رهیافت جدید که بیشتر بر بُعد سیستم‌های جهانی تأکید دارند، عناصری از هر دو رهیافت کارکردی و تضاد را به عاریت گرفته‌اند و به خصایص جوامع بعد از صنعتی در تحلیل‌ها بهای فراوانی می‌دهند (ریچموند و ورما ۱۹۷۸ به نقل از لهسائی زاده ۱۳۶۸: ۱۷۹). تأکید اصلی این مقاله بر دیدگاه اجتماعی و جامعه‌شناسی مهاجرت است.

### ایرانیان و مهاجرت

اگرچه در تاریخ بسیار دورتر، ایرانیان خود به فلات قاره ایران مهاجرت کردند اما برای قرن‌ها هرگز تجربه گسترده مهاجرت تا دوره معاصر را نداشتند. اکنون از اولین مهاجرت ایرانی‌ها برای کار و بعدها تحصیل، بیش از صد سال می‌گذرد و در این صد سال مهاجرت همواره وجود داشته است و در هر دوره‌ای خصوصیات متفاوتی به خود دیده است. زمان مهاجرت برای کار و گاهی برای فعالیت‌های روشنفکرانه به برخی کشورها، سپس بیشتر به فرنگ (اروپا) که مخصوص فرزندان اشراف و بزرگان و برای تحصیل بوده است، در دوره‌های بعد به آمریکای شمالی، در برهه قبل و بلافاصله پس از انقلاب به اروپای غربی و اسکانندیناوی و بیشتر در قالب پناهنده سیاسی، در سالیان نه‌چندان دور به ژاپن برای کار<sup>۱</sup> و مخصوص گروه دیگری از شهروندان و نهایتاً در سال‌های اخیر، همه‌گیرتر از همیشه، مهاجرت از طبقات اجتماعی مختلف به همه جای دنیا صورت گرفته است. هرچند در این دوره تحصیل رایج‌ترین هدف است و غرب (در معنای کشورهای پیشرفته، از آمریکای شمالی و اروپا گرفته تا استرالیا و حتی شرق دور) محتمل‌ترین مقصد، اما فرایند غربت‌نشینی (دیاسپورا) با پراکندگی ایرانیان در همه جای جهان رخ داده است. اکنون ایرانیان پراکنده در اقصی نقاط جهان (دیاسپورا) سبب پیدایش دو پاره از ملت ایران<sup>۲</sup>

۱. زندگی کارگران ایرانی در ژاپن از نگاه دوربین «گوتتر وال راف» مستندساز آلمانی به فیلم تبدیل شده است و برخی کارگردانان نیز در ایران (مرد آفتابی، کارگردان: همایون اسعدیان، نویسنده: فرشید گوران) با درون‌مایه زندگی مهاجران ایرانی به تولید فیلم پرداخته‌اند.

۲. حتی با احتیاط از ملت دوم ایران می‌توان نام برد که بیش از ۳۰ شبکه رادیو تلویزیونی را (عمدتاً در آمریکا و اروپا و کانادا) در اختیار دارند و از نظام اقتصادی حاشیه‌ای برخوردارند که نمود آن‌دها بنگاه خریدوفروش

شده‌اند که پارهٔ دوم (مهاجران) علی‌رغم اشتراک در برخی محورها مانند زبان، تاریخ و میراث فرهنگی، اما در سبک زندگی از پارهٔ اصلی فاصلهٔ بسیار دارد و تأثیر و تأثر فرهنگی و اجتماعی آنها بر هم موضوع مهم و قابل تأملی است. در دورهٔ معاصر، آن‌سوی آب‌ها دارای جاذبه‌های بسیار و توأم با نوعی تشخص و فخر بوده است. با نگرش به تاریخ معاصر ایران، در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان به سه مرحلهٔ مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور اشاره کرد: الف) پس از مهاجرت‌های قفقاز، اعزام دانشجو به فرنگ در دورهٔ قاجار (آغاز مهاجرت به بیرون هرچند با هدف بازگشت)، ب) مهاجرت پیش از انقلاب اسلامی، پ) مهاجرت پس از انقلاب اسلامی (البته این دوره خود قابل تقسیم به اجزاء کوچک‌تر است).

اولین مهاجرت اختیاری با اعزام دانشجو در دورهٔ سپهسالار و اواخر دورهٔ قاجار شروع می‌شود که این در حقیقت آغاز برخورد ایرانیان با جهانی است که بعدها کعبهٔ آمال بسیاری از مشتاقان خود یعنی فرنگ شد. در دورهٔ دیگری با فرار توده‌ای‌ها و نیروهای چپ به شوروی سابق، موجی از مهاجرت اجباری تجربه شد و بعدها نسل دوم دانشجویان اعزامی در دورهٔ پهلوی اول و دوم سبب شد گروهی در کشورهای مقصد ماندگار شوند و بالاخره نسل بعدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عموماً نیروهای ناموافق با جریان انقلاب، تن به مهاجرت ناخواسته دادند و در ادامه گروهی دیگر در دورهٔ جنگ و برای فرار از دشواری‌های آن اقدام به مهاجرت کردند و حتی گروه دیگری نیز پس از وقوع کمبود فرصت‌های شغلی در سال‌های دههٔ ۱۳۷۰ کشور را ترک گفتند و آخرین گروه متعلق به موج مهاجرت‌های تبعی از طریق بستگان، ازدواج (به‌ویژه ازدواج از راه دور<sup>۲</sup>)، عزیمت دانشجویی به اکراین، هند و مالزی و انگلستان و برخی کشورهای دیگر است که خود مطالعهٔ مستقلی را می‌طلبند و از آن‌جا که با معانی متعارف مهاجرت متفاوت است، به دقت بیشتری برای بررسی نیاز دارد.

مطالعهٔ مناطق و قطب‌های مورد توجه ایرانیان برای مهاجرت نشان می‌دهد که اولین مهاجرت در تاریخ معاصر مربوط به مهاجرت ارمنهٔ ایران به قفقاز و سپس کارگران ایرانی برای کار و نیز گروهی روشنفکر به باکو و نظایر آن بوده است، سپس کویت و امارات عربی متحده

۱- تولید مسکن از دویی تا قبرس و استرالیا و اخیراً مالزی را شامل می‌شود. صدها وبلاگ و انجمن و نظایر آن در اقصی نقاط دنیا متعلق به آنهاست. شعرای خاص خود را دارند، ناشران و تولیدات فرهنگی و موسیقایی متعدد و رستوران‌های ویژه (علی‌رغم گریزانی ایرانیان از هم) مخصوص آنها وجود دارد.  
۲. در اصطلاح عامه «آن‌ور آب».

## 2. Tele-Marriage

(دبی) و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بیشتر مقصد مهاجران به قصد کار (و در سال‌های اخیر با انگیزه تجارت) و از اولین قطب‌های مهاجرت ایرانیان به خارج به شکل گسترده و جدی بوده است. آمریکای شمالی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، موج طرفداران سلطنت و در دهه اخیر بیشتر کشور کانادا با تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری و خدمات علمی و همچنین اروپا طیف متنوعی از مهاجران و پناهندگان ایرانی را در خود جای داده‌اند. در این میان ژاپن و مالزی نیز مقصد مهاجران برای کار بوده‌اند. تنها در ژاپن تعداد ایرانی‌ها در فاصله ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ حدود ۴۰۰ درصد رشد داشته است (ساسن ۲۰۰۱: ۳۱۷). باید توجه داشت که ایرانیان را تقریباً همه جای دنیا غربت‌نشین (دیاسپورا) می‌توان یافت: از ژاپن و مالزی تا استرالیا، از کویت و امارات تا نروژ و سوئد، از اکراین تا هند و از فرانسه تا آمریکا و اخیراً آسیای میانه. در این جا آمار ایرانیان مهاجر در برخی کشورها که شمار زیادی مهاجر ایرانی در آنها حضور دارند را مرور می‌کنیم (جدول شماره ۳).

جدول ۳. پراکنش ایرانیان در اقصی نقاط دنیا

کشور	آمار رسمی	آمار غیررسمی	ماخذ
آمریکا	۳۷۱۰۰۰	تا دومیلیون نفر	کاماروتا <sup>۱</sup> ۱۱:۲۰۰۷
امارات	۵۰۰۰۰۰		مصاحبه سفیر ایران در امارات
آلمانی	۱۳۵۰۰	بیش از ۲۰۰ هزار نفر	شورای عالی ایرانیان خارج از کشور
انگلیس	۴۲۳۷۷		شورای عالی ایرانیان خارج از کشور
سوئد	۵۶۰۰۰	تا صد هزار نفر	سایت مرکز آمار سوئد
کانادا	۴۵۰۰۰		سایت سفارت ایران در کانادا
کویت	۳۸۰۰۰		سایت خبرگزاری فارس
بلژیک	۱۰۰۰۰		سایت خبرگزاری فارس
فرانسه	۸۰۰۰۰		شورای عالی ایرانیان خارج از کشور

مهاجرت ایرانیان دارای پارادوکس‌های بسیاری است. برای نمونه دو کشوری که بیشترین تعداد ایرانیان مهاجر را در خود جای داده‌اند، روابط حسنه‌ای به‌لحاظ دیپلماتیک با ایران ندارند. یکی از کشورهای مورد علاقه ایرانیان و البته بسیاری دیگر برای مهاجرت، در طول دهه‌های اخیر، آمریکا بوده است. آمارهای رسمی به حدود ۳۷۰ هزار نفر مهاجر اشاره دارد اما در آمارهای

1. Camarota

غیر رسمی و محافل ایرانی از دو میلیون ایرانی سخن رانده می‌شود. دومین کشور نیز امارات عربی متحده است. همچنین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از جمله مناطق مورد توجه گروه متفاوتی از ایرانیان برای مهاجرت بوده است که نزدیکی جغرافیایی و برخی شباهت‌های فرهنگی (به‌ویژه برای مردم سواحل جنوبی ایران) از دلایل اصلی آن بوده است. ایرانیان کویت عمدتاً در بخش خدمات مشغول فعالیت هستند و برخلاف موارد مشابه، ۲۵ درصد آنان بی‌سواد و ۳۵ درصد دارای سواد ابتدایی هستند. ضمن این‌که ایرانیان جزء اولین مهاجران امارات بوده‌اند<sup>۱</sup> و هندی و پاکستانی‌ها، بنگلادشی‌ها، لبنانی‌ها و مصری‌ها و عراقی‌ها بعداً وارد این کشور شدند (لهسایی‌زاده ۱۳۸۳: ۳۶۲).

### روش‌شناسی تحقیق

واهیونی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه مهاجرت دو رویکرد را معرفی کرده است، یکی رویکرد مطالعه در مبدأ و دیگری مطالعه در مقصد. روشی که به مطالعه مهاجران در مقصد می‌پردازد به روش ردیابی نیز معروف است (واهیونی ۲۰۰۵؛ به نقل از مشفق ۱۳۸۶: ۱۵۲). که این مطالعه نیز با همین رویکرد انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها از روش چندتکنیکی<sup>۳</sup> (ترکیبی) که شامل پرسشنامه (۱۰۱ نفر)، مشاهده، مشاهده مشارکتی، فواتحیل مطالعات پیشین، تحلیل داده‌های ثانویه موجود<sup>۴</sup> و مصاحبه‌های روایتگرانه<sup>۵</sup> با مردم از گروه‌های مختلف اجتماعی (مصاحبه‌های آزاد با ۵۲ نفر) استفاده شده است.

### مشکلات تحقیق درباره ایرانیان خارج از کشور

به‌طور طبیعی اغلب تحقیقات اجتماعی مشکلاتی را به‌همراه دارد، اما در مطالعه مسائل مهاجران و ایرانیان خارج از کشور، مشکلات بیشتر و حادث‌تری وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مشکل عدم اعتماد: بدبینی و سوءظن به همدیگر در بین ایرانیان بسیار فراگیر و ظاهراً

۱. دبی امروزه چهره کم‌وبیش ایرانی دارد و کافی است سری به کانال‌های تلویزیونی ایرانیان خارج زده شود تا حجم تبلیغ برای اقامت و خرید ملک و سرمایه‌گذاری در دبی درک شود. حجم سرمایه‌گذاری ایرانیان در دبی چشم‌گیر است. براساس برخی آمارها بیش از ۶۵۰۰ شرکت با سرمایه ۳۰۰ میلیارد دلار توسط ایرانیان در امارات فعال هستند. (<http://boushehriaran.blogspot.com/1384/12>)

- |                         |                 |
|-------------------------|-----------------|
| 2. Vahyuni              | 3. mixed method |
| 4. second data analysis | 5. narrative    |

دارای سابقهٔ تاریخی است<sup>۱</sup>، این صفت بدون کم‌وکاست به بیرون نیز سرایت کرده است و حتی گاه به دلیل سوابق سیاسی بخشی از مهاجران و نیز عدم اطلاع دقیق از تحولات داخلی ایران و نیز تجربه‌های تعمیم‌داده‌شده برخی موارد خاص به عنوان قاعدهٔ کلی، می‌توان ادعا کرد این مشکل در خارج از ایران پررنگ‌تر است. به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی، تاریخی و تربیتی در بین ایرانیان یک بی‌اعتمادی جدی و عمیق وجود دارد. در نتیجه، علاوه بر عدم همکاری، عدم صداقت و جواب‌های ساختگی نیز بیشتر است.

۲. کمبود منابع به زبان فارسی در مورد ایرانیان خارج از کشور.

۳. مشکل دسترسی به ایرانیان: اگرچه همهٔ افراد دارای اجازهٔ اقامت هستند و شهروندان یک کد چهارشماره‌ای دارند که به راحتی آنان را در دسترس سیستم اداری کشور میزبان قرار می‌دهد، اما معمولاً مهاجران به روش‌های مختلف مانند ثبت دو خانه به نام خود و همسر و اجارهٔ یکی به شکل سیاه (غیرقانونی) و مواردی مانند آن، از این مسیر عبور می‌کنند. این امر دسترسی به مهاجران را مشکل می‌سازد.

۴. مشکل زبان: عدم توانایی نوشتن و در بیشترین حالت خواندن و به‌ویژه درک معنای واژگان کلیدی تحقیق یا سؤالات، ازجمله دیگر مشکلات است. این امر دربارهٔ نسل دومی‌ها و افراد با سابقهٔ بسیار طولانی اقامت بیشتر صدق می‌کند.

۵. نبود آمارهای واقعی: جمعیت ایرانیان خارج از کشور براساس آمارهای منابع مختلف از ۳ تا حتی اعداد بسیار حیرت‌آور ۶ میلیون نفر ذکر شده است. حتی آمارهای رسمی کشورهای میزبان ایرانیان در آن‌جا زندگی می‌کنند نیز به دلایل مختلف، نمی‌توانند کاملاً مورد اعتماد باشند.

۶. خلاء آماری نسل دوم و سوم: بسیاری از ایرانیان که تابعیت کشور محل سکونت خود را می‌گیرند در آمارهای رسمی این کشورها، از لیست «خارجیان» حذف می‌شوند و در آمارها منعکس نمی‌شوند.

۷. سکونت‌های غیرقانونی: در مواردی نیز افراد به دلیل سکونت غیرقانونی در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شوند.

۸. تفاوت در تعریف مهاجر: نسل سومی‌ها، فرزندان دارای والدین با ملیت‌های مختلف، افراد دارای تابعیت دوگانه یا مضاعف و تفاوت تعریف مهاجر از کشوری به کشور دیگر، مسئلهٔ شناخت مهاجران را مشکل و مبهم می‌کند.

۱. در دائرةالمعارف سوئدی بونی‌یر (Bonnier) دربارهٔ مردم ایران آمده است: پارس‌ها (ایرانی‌ها) میان‌قد، چهارشانه، با چشمانی قهوه‌ای-بینی عقابی و موهایی سیاه و یا قهوه‌ای‌اند. آنها عموماً باهوش ولی غیر قابل اعتماداند (دائرةالمعارف بونی‌یر ۱۹۲۶:۱۴۴ به نقل از رهبر ۱۳۷۶:۲).

## نگاهی به سیاست‌های مهاجرتی سوئد

سیاست‌های مهاجرتی این کشور در طول چند دهه گذشته تغییرات بسیاری به خود دیده است. تا قبل از جنگ جهانی دوم، سوئد کشوری مهاجرپرست به‌ویژه به ایالات متحده بود. اما پس از جنگ و شروع رونق اقتصادی و تحولات ژرف سیاسی، این کشور تبدیل به جامعه‌ای مهاجرپذیر شد و در سال ۲۰۰۷ موفق‌ترین کشور دنیا در زمینه سیاست‌گذاری مهاجرت<sup>۱</sup> شناخته شد. در یک نگاه ساده، مهاجرت به سوئد در دوران بعد از جنگ به دو دوره تقسیم می‌شود، دوره اول را می‌توان مهاجرت نیروی کار اولیه نامید، درحالی‌که در دوره دوم، شاهد موج مهاجرت پناهندگان و مهاجران تابعی به سوئد هستیم. طی دوره اول که از سال ۱۹۴۵ تا حدود ۱۹۷۰ به طول انجامید، تا حدودی به‌واسطه خرابی ناشی از جنگ جهانی تجربه‌شده توسط همسایگان اروپایی سوئد، اقتصاد این کشور به‌سرعت توسعه یافت. اما این توسعه سریع نتوانست با افزایش مناسب نیروی کار سوئدی روبه‌رو شود و جذب کارگران خارجی به‌منظور غلبه بر تنگناهای تولیدی یک ضرورت بود. حل این مشکل در دهه ۱۹۵۰، به‌واسطه ورود نیروی کار ماهر که به عنوان مکمل نیروی کار محلی انجام وظیفه می‌کرد، امکان‌پذیر شد. این نیروی کار ماهر عمدتاً از آلمان غربی، ایتالیا و کشورهای نوردی<sup>۲</sup> دیگر تأمین شد. این جذب نیرو در دوران پس از جنگ، آثار مثبتی بر توسعه صنایع مهندسی و کشتی‌سازی نیز داشت که به توسعه اشتغال در این بخش‌ها تا اواخر دهه ۱۹۷۰ منجر شد.

در دهه ۱۹۶۰، بخش صنعتی در کل سوئد، دچار تغییرات ساختاری شد: یک فرایند بهینه‌سازی فشرده، در کنار به‌کارگیری دستگاه‌های اتوماتیک، تقسیم کار، تخصصی شدن و تولید صنعتی در مقیاس وسیع، امکان استفاده از کارگران بدون مهارت خاص را فراهم ساخت. زنان و نیروی کار خارجی، پست‌های خالی را در خطوط مونتاژ پر کردند، درحالی‌که کارگران بومی بیشتر در بخش خدمات در حال توسعه وارد می‌شدند. به عبارت دیگر، کارگران مهاجر برخلاف موارد مشابه در یک دهه قبل، بیشتر به عنوان جایگزینی برای نیروی کار محلی و نه تکمیل‌کننده آنها، مورد استفاده قرار گرفتند. درحالی‌که مهاجران اولیه باعث رشد اقتصادی شدند، مهاجران دهه ۱۹۶۰ فقط به متورم شدن اقتصاد کمک کردند. حقیقت امر این است که مشاغل جدید توسط کارگران بی‌مهارت پر شدند زیرا سرمایه‌گذاری‌های جدید صنعتی با هدف افزایش رقابت بین‌المللی و کاهش هزینه‌ها صورت می‌گرفت (اهلسون<sup>۳</sup> ۱۹۷۵؛ لاند<sup>۴</sup> و اهلسون ۱۹۹۹).

صنایع مهندسی و کشتی‌سازی مجدداً پیشتازی توسعه را در دست گرفتند و نیروی کار مهاجر

1. Migration policy  
3. Ohlsson

2. Nordic  
4. Lundh

طی این دهه، به‌طور گسترده نه تنها از کشورهای نوردیک بلکه همچنین از کشورهای مدیترانه‌ای مثل یونان، یوگسلاوی و ترکیه وارد می‌شدند.

با این حال از اواخر دههٔ ۱۹۶۰، وضعیت برای مهاجران رو به تغییر گذاشت. واحدهای تجاری به مهاجرت به عنوان منشأ بدبختی‌های جامعه و دارای پیامدهای منفی نگریستند. یکی از این پیامدها، ایجاد تأخیر در گذار صنعتی به دلیل مشکل تأمین جانشین برای کارگران سوئدی (بخش صنعت) بود که به‌طور مداوم به بخش خدمات می‌رفتند. این عرضهٔ نیروی کار همچنین به‌منظور پایین آوردن دستمزدها در صنعت بود، امری که به‌واسطهٔ کمبود نیروی کار تحقق نیافته بود. به این ترتیب، مهاجران حافظ ساختار صنعت سنتی شدند درحالی‌که در نبود آنها، تغییرات وسیعی به این ساختار تحمیل می‌شد. دولت به این بحران‌ها از طریق تغییر قوانین مربوط به ورود مهاجران به سوئد پاسخ داد. قوانین جدید ورود به کشور سوئد از ۱۹۶۸ اجباری شد و بر مبنای آن، متقاضیان کار و اقامت از کشورهای غیر نوردیک، بایستی قبل از ورود، تقاضای پذیرش کرده و همچنین شغل و مکان اقامت خود را مشخص کرده باشند. این امر مهاجرت نیروی کار را در طی دهه‌های بعد به نحوی شگرف کاهش داد.

رشد اقتصاد سوئد در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ به دلیل بحران نفت به سطح پایینی (از ۴ درصد به ۲ درصد) تنزل کرد. در همان زمان، اقتصاد با افول بخش صنعت و گسترش بخش خدمات، دوران گذار را تجربه می‌کرد. بخش صنعتی بعد از ۱۹۷۵ راکد شد و افزایش اشتغال در بخش عمومی، که از اواخر دههٔ ۱۹۶۰ شروع شده بود، تحقق یافت. رشد اقتصادی دههٔ ۱۹۶۰، تقاضا برای خدمات عمومی مانند مراقبت کودکان، آموزش، مراقبت از کهن‌سالان، مراقبت‌های بهداشتی و غیره را افزایش داد. بنابراین، گسترش وسیع بخش عمومی و رکود بخش صنعتی در دههٔ ۱۹۷۰، به مشکلات ساختاری در اقتصاد با رشد کم و نرخ بالای بیکاران، به‌ویژه در میان کارگران با مهارت پایین، منجر شد. بر طبق نظر (شون<sup>۱</sup> ۱۹۹۶) گذار صنعتی به تولید با ظرفیت علمی بیشتر، تقریباً در برخی مناطق مهاجرپذیر مانند مالمو نیز یک دهه دیرتر از شهرهای بزرگ سوئد در پایان دههٔ ۱۹۸۰ مشاهده شد.

طی این دوران، مهاجرت نیروی کار، به‌خصوص فنلاندی‌ها، به تدریج کاهش یافت. این امر عمدتاً به دلیل کم‌شدن فاصله در استاندارد زندگی میان سوئد و کشورهای می‌دانمارک و فنلاند و افزایش تقاضا برای نیروی کار در این کشورها بود. هرچند مهاجرت نیروی کار کاهش یافت،

1. Schon

اما انواع دیگر مهاجرت، که عمدتاً انواع مختلفی از پناهندگان و مهاجرت به تبعیت بستگان درجه یک را شامل می‌شد، به‌طور قابل توجهی طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ افزایش یافت که این دوره مقارن با بیشترین مهاجرت ایرانیان به سوئد است. بنابراین، این امر به دگرگونی اساسی در کشور از نظر ترکیب اصلی جمعیت مهاجر، یعنی افزایش سهم مهاجران عمدتاً غیر اروپایی به سوئد با انگیزه‌های غیر اقتصادی، منجر شد (بوالاندر<sup>۱</sup> ۲۰۰۸: ۸). که ایرانیان نیز یکی از این گروه‌های مهاجرتی محسوب می‌شوند. در دهه‌های پایانی قرن بیستم مهاجرت به اروپا محدودیت‌های بیشتری را به خود دید و تدوین سیاست‌های مهاجرتی برای اتحادیه اروپا (و نه جداگانه در هر کشور) در دستور کار کشورهای عضو قرار گرفت. با این حال کشور سوئد به دلیل ماهیت قانون اساسی‌اش (مبنی بر حمایت از شهروندان در مخاطره) همچنان میزبان تعداد کثیری از مهاجران عراقی، بوسنیایی و سایر مناطق بحران‌زده است.

### مهاجرت ایرانیان به سوئد

کشور سوئد علی‌رغم فاصله جغرافیایی زیاد با ایران، همواره به‌خوبی برای ایرانیان شناخته شده است و حتی سوئدی‌ها تأسیس برخی نهادهای مدرن مانند ژاندارمری ایران را بر عهده داشتند. از سوی دیگر مناسبات اقتصادی ایران قبل و بعد از انقلاب بین دو کشور فعال و دارای اهمیت بوده است که در نتیجه آن، واردات برخی محصولات صنعتی این کشور مانند ماشین‌آلات سنگین همچون ولو<sup>۲</sup> و اخیراً اسکانیا<sup>۳</sup> و الکترولوکس<sup>۴</sup> در ایران به‌وفور یافت می‌شود. همچنین خوش‌نامی سوئد در امور انسان‌دوستانه، جمعیت کم و وضعیت اقتصادی روبه‌رشد و نیاز مبرم آن به نیروی کار، سبب شد تا این کشور به یکی از مقاصد مهاجران از جمله ایرانیان تبدیل شود. اما ایرانیان یکی از جوان‌ترین گروه‌های مهاجر به شمار می‌روند (درویش‌پور ۲۰۰۳: ۱۴۰).

سوئد یکی از کشورهای اسکاندیناوی و از نظر وسعت چهارمین کشور اروپا است. براساس آخرین سرشماری (۲۰۰۷) ۹/۲ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۲/۶ درصد آن را مهاجران و حدود ۵ درصد کل مهاجران را ایرانیان تشکیل می‌دهند. جدول شماره ۴ توزیع مهاجران ایرانی در سوئد را به تفکیک جنس ارائه می‌دهد. از منظر سیاست‌های جمعیتی در دنیا، جزو کشورهای موفق محسوب می‌شود و از نقاط پرجاذبه برای بسیاری از مهاجران است.

1. Bevelander
3. Scania

2. Volvo
4. Electro Luxe

جدول شماره ۴. آمار ایرانیان سوئد سال ۲۰۰۶

مردان	۲۹۵۵۲	۵۳/۰۵
زنان	۲۶۱۴۵	۴۶/۹۴
کل	۵۵۶۹۷	۱۰۰

مأخذ: مرکز ملی آمار سوئد

در توزیع جنسی مهاجران ایرانی در سوئد مردان سهم بیشتری دارند، این امر تا حدودی با توجه به امکان مهاجرت بیشتر برای مردان و استقلال تصمیم‌گیری برای مهاجرت قابل درک است. در خصوص وضعیت تحصیلی، ۱۱/۷ درصد ایرانیان در سیکل اول<sup>۱</sup>، ۴۲/۲ درصد در سیکل دوم قرار دارند و افراد با تحصیلات دانشگاهی ۴۲/۱ درصد ایرانیان را شامل می‌شوند که حاکی از وضعیت مطلوب میزان تحصیلات در میان آنها است. در واقع حدود نیمی از ایرانیان سوئد دارای مدارج علمی دانشگاهی هستند.

جدول شماره ۵. آمار ایرانیان ۲۰ تا ۵۹ ساله بر حسب وضعیت ازدواج در سوئد

ازدواج‌کرده	۱۴۶۰۷	۳۰/۸
ازدواج‌نکرده	۳۲۸۳۷	۶۹/۲
کل	۴۷۴۴۴	۱۰۰

مأخذ: مرکز ملی آمار سوئد

میزان طلاق در جامعه سوئد به‌طور کلی بالاست و در میان مهاجران نیز ایرانیان پس از شیلیایی‌ها دارای بالاترین نرخ طلاق هستند. همچنان‌که داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، حدود ۷۰ درصد ایرانیان را افراد ازدواج‌نکرده تشکیل می‌دهند. اگرچه ایرانیان جزء مهاجرانی تلقی می‌شوند که به دلیل دارا بودن سواد یا مهارت بالا از نرخ اشتغال به کار بالایی برخوردارند، ولی همچنان که آمارهای مرکز ملی آمار سوئد نشان می‌دهد، تنها ۵۵/۱ درصد از افراد در سن اشتغال، شاغل هستند و بخش بزرگی از آنها یعنی ۴۴/۹ درصد غیرشاغل گزارش شده‌اند، این روند، به‌ویژه در سالیان اخیر، به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی و تمایل مهاجران به استفاده از کمک‌های سرویس خدمات اجتماعی<sup>۲</sup> افزایش یافته است.

۱. در نظام آموزشی سوئد دو دوره وجود دارد: دوره سیکل اول تا کلاس نهم و سیکل دوم ۳ سال دبیرستان است.

## 2. Social Service

جدول شماره ۶. زمان‌بندی مهاجرت ایرانیان به سوئد

دوره	تعداد	درصد
قبل از ۱۹۷۴	۶۶۲۰	۱۱/۹
۱۹۷۵-۱۹۸۴	۵۱۰۸	۹/۲
۱۹۸۵-۱۹۹۴	۹۶۵۸	۱۷/۳
۱۹۹۵-۲۰۰۶	۲۴۷۶۹	۴۴/۵
کل	۵۶۰۰۰	۱۰۰

مأخذ: مرکز ملی آمار سوئد

بررسی روند مهاجرت ایرانیان به سوئد طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد بیشتر مهاجرت‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶ (به‌منظور تحصیل و جست‌وجوی شرایط بهتر کاری و نیز مهاجرت‌های تابعی از طریق ازدواج) و در رتبه بعدی در دهه ۱۹۸۰ (عمدتاً به دلیل پناهندگی گروه‌های سیاسی و نیز فرار افراد از شرایط جنگی) صورت گرفته است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۷. آمار ایرانیان ۲۰ تا ۵۹ ساله

برحسب اشتغال در بخش دولتی و خصوصی، سوئد، ۲۰۰۶

بخش	تعداد	درصد
بخش دولتی / عمومی	۱۱۲۱۳	۴۲/۹
بخش خصوصی	۱۴۹۱۶	۵۷/۱
کل	۲۶۱۲۹	۱۰۰

مأخذ: مرکز ملی آمار سوئد

خویش‌فرمایی از ویژگی‌های عمده ایرانیان است و بیشتر این خویش‌فرمایی، نظیر ترک‌ها یا اعراب، به شکل انفرادی انجام می‌گیرد تا جمعی. درعین‌حال، به دلیل سطح بالای تحصیلات، میزان کار در بخش دولتی نیز برای ایرانیان درصد قابل‌توجهی است (۴۲ درصد)، امری که برای اغلب گروه‌های مهاجرتی کمتر مهیا می‌شود. تمرکز ایرانیان در سه استان استکهلم (پایتخت)، گوتنبرگ (دومین شهر سوئد) و نیز استان جنوبی اسکونه<sup>۱</sup> است که با توزیع عمومی همه مهاجران در سوئد انطباق دارد. طبیعی است که شهرهای بزرگ‌تر به دو دلیل اقتصادی

1. Skane

فرصت‌های شغلی بیشتر) و اجتماعی (پذیرش راحت‌تر، گمنامی، تعداد زیاد خارجی و نظایر آن جاذبه بیشتری برای مهاجران دارد، البته در موارد معین مثلاً به دلیل تخصص خاص یا ویژگی‌های منحصربه‌فرد، مهاجران در نقاط کوچک‌تر نیز تمرکز می‌یابند (مانند شهر مالمو در نزدیکی مرز دانمارک و سوئد). توزیع قومی ایرانیان مهاجر بر مبنای پیمایش الحسینی (۱۹۹۳) در سوئد نیز به ترتیب زیر بوده است: ۷۹/۲ درصد فارس، ۶/۱ درصد آذری، ۳/۵ درصد کرد، ۰/۹ درصد ترکمن و ۶/۹ درصد ارمنی و ۰/۴ درصد آشوری و ۰/۳ درصد سایر اقوام (حسینی کلاجاهی<sup>۱</sup> ۱۹۹۷: ۱۸۷).

### یافته‌های تحقیق

توزیع جنسی نمونه این تحقیق با آمار کلی ایرانیان سوئد تقریباً همخوانی دارد و نسبت مردان در نمونه ۵۳/۵ درصد (هم‌چون جامعه آماری) و بالاتر از زنان (۴۶/۵ درصد) است.

### جدول شماره ۸. توزیع سواد پاسخگویان قبل و بعد از مهاجرت (به درصد)

توزیع سواد	قبل از مهاجرت	بعد از مهاجرت
زیر متوسطه	۱۰/۹	۸/۹
دیپلم	۵۲/۵	۳۱/۷
لیسانس	۲۴/۸	۲۲/۸
فوق لیسانس	۴	۱۵/۸
دکتری	۲	۵
بی‌جواب	۶	۱۲/۹
کل نمونه	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: تحقیق نگارنده

یکی دیگر از مشخصات کلی خانواده مهاجر ایرانی جایگاه فاخر دانشگاه و تحصیلات عالیه نزد آنهاست (باستانی ۱۳۸۱: ۳۸). بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشانگر نسبت بالای تحصیلات دانشگاهی یعنی ۴۴/۶ درصد در بین مهاجران ایرانی است. همچنین با هدف سنجش تحرک اجتماعی مهاجران و مقایسه وضعیت قبلی و فعلی تحصیلات قبل از مهاجرت را بررسی کردیم (جدول شماره ۸). در شرایط قبل از مهاجرت، بالاترین نسبت افراد دارای تحصیلات

1. Hosseini-Kalajahi

دبیرستانی (۵۲/۵ درصد) بودند، درحالی‌که در نمونه حاضر، سهم عمده با افراد دارای تحصیلات دانشگاهی است و این امر مؤید توجه ویژه ایرانیان به کسب علم و مدرک! همانند داخل کشور است. قبل از مهاجرت، ۳۰/۸ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند که در نمونه حاضر به ۴۴/۶ درصد افزایش یافته است.

در این میان، زنان مهاجر ایرانی بیش از مردان از فرصت تحرک اجتماعی از طریق تحصیلات و شرایط مثبت فراهم‌شده توسط جامعه میزبان، سود جسته و سطح تحصیلات خود را ارتقاء داده‌اند و حتی در سطح زنان کشور میزبان قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹. درصد افراد ۲۵ تا ۶۴ ساله با مدرک دانشگاهی  
به تفکیک کشور در شهر مالمو سوئد، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳

کشور	درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی ۱۹۹۳		درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی ۲۰۰۳	
	مردان	زنان	مردان	زنان
سوئدی‌ها	۲۷	۲۹	۳۸	۴۳
خارجی‌تبارها	۲۳	۲۲	۳۲	۳۲
فنلاند	۱۹	۲۵	۲۸	۳۷
دانمارک	۲۰	۲۲	۴۴	۴۳
آلمان	۲۹	۲۵	۳۷	۳۶
لهستان	۲۸	۲۹	۳۰	۳۶
یوگسلاوی سابق	۹	۸	۱۸	۱۵
ترکیه	۱۱	۹	۱۷	۱۴
شیلی	۲۱	۱۹	۲۵	۲۴
ایران	۳۶	۲۲	۳۹	۴۲
عراق	۴۱	۲۶	۴۷	۴۲

(مأخذ: بوالندر ۲۰۰۸: ۲۲)

بررسی روند مهاجرت به سوئد میان پاسخگویان نشانگر آن است که تنها ۳ درصد از آنها در دهه ۱۹۷۰ و بیشترین تعداد در دهه ۱۹۸۰ میلادی (۵۴/۸ درصد) و سال‌های پس از پیروزی انقلاب ۱۹۷۹ مهاجرت کرده‌اند. ۱۹/۸ درصد از پاسخگویان طی دهه ۱۹۹۰ و ۱۸/۸ درصد نیز در دهه جاری مهاجرت کرده‌اند. در نمونه مورد بررسی فراوانی مهاجران بر حسب استان محل تولد در ایران، بیشترین تعداد مربوط به پایتخت ایران است و این به دو دلیل امری طبیعی است:

اولاً، هم تعداد جمعیت شهری تهران بالاست (معمولاً مهاجران به خارج کشور از شهرنشینان هستند). ثانیاً، پناهندگان به عنوان بخش مهم مهاجران دهه ۱۹۸۰ میلادی عموماً از شهرهای بزرگ و البته برخی نقاط خاص مانند کردستان و مناطق قومی بودند. هرچند به دلیل استقرار بیشتر کردها در استکهلم، در نمونه انتخابی این روند مشاهده نمی‌شود.

در فرایند مهاجرت، معمولاً پلکانی از نقاط برای بالارفتن تا هدف نهایی وجود دارد و در مهاجرت‌های خارجی، که گاه با روش‌های غیرقانونی نیز همراه بوده است، این روند نمود بیشتری پیدا می‌کند. نزدیک به نیمی از پاسخگویان ابتدا در کشورهای دیگری رحل اقامت موقت انداخته سپس به سوئد مهاجرت کرده‌اند. مهاجران ایرانی قبل از آمدن به سوئد مدتی در کشورهای ترکیه، امارات، پاکستان و آلمان اقامت داشته‌اند.

تحرك جغرافیایی مهاجران با شاخص تغییر شهر محل سکونت آنها سنجیده شده است. معمولاً به دلیل عدم شناخت کامل از امتیازات شهرها یا نقاط استقرار اولیه، مهاجران پس از کسب معلومات بیشتر و به مرور زمان، فرصت‌های بهتری برای کار و سکونت پیدا می‌کنند و این امر سبب جابه‌جایی آنها در میان شهر و حتی محلات می‌شود. تنها حدود ۳۲ درصد افراد نمونه هیچ تغییر مکانی را نداشتند و ۷۸ درصد آنها یک‌بار و یا بیشتر مکان و شهر محل زندگی خود را عوض کرده‌اند. در خصوص هدف اصلی مهاجرت، افراد معمولاً با انگیزه‌های متفاوت و دلایل گوناگون مهاجرت می‌کنند که یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های مهاجرت نیز به همین موضوع مربوط می‌شود. بر این مبنا، به ترتیب مهاجرت اجباری ۵۳/۵ درصد، ادامه تحصیل ۱۷/۸ درصد، از طریق ازدواج ۱۶/۸ درصد و کار ۴ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. برای مقایسه، در تحقیق لهسایی‌زاده ۳۸ درصد علت مهاجرت به امارات را یافتن کار و ۱۸/۷ درصد، زندگی بهتر و سپس برخورداری از آزادی و تبعیت از فامیل ذکر کرده‌اند (لهسایی‌زاده ۱۳۸۳: ۳۶۳).

در مورد دلیل انتخاب سوئد به عنوان مقصد مهاجرت (در صورت انتخابی بودن مقصد مهاجرت)، داده‌ها حاکی از سهم بالای مهاجرت تابعی (زنجانی ۱۳۸۰: ۵) از طریق بستگان است. طبق مطالعات نگارنده، این قانون حتی در مهاجرت‌های روستا شهری ایران نیز در خصوص مهاجران به نقاط حاشیه شهرها و اسکان غیررسمی مشاهده شده است (نقدهی ۱۳۸۶: ۲۲۱). برای سنجش کمی این نوع مهاجرت از پاسخگویان پرسیده شده بود که آیا از بستگان هم کسی در سوئد زندگی می‌کند؟ زیرا در فرایند مهاجرت، نخستین مهاجران سعی می‌کنند افراد بیشتری از خویشان و بستگان را به همراه خود به مقصد بکشانند. از سوی دیگر، تازه‌واردان نیز ترجیح می‌دهند به مناطقی مهاجرت کنند که افراد آشنا و فامیل در آن جا ساکن اند.

این امر در تحمل غربت و کاهش استرس‌های زندگی در سرزمین بیگانه کمک بیشتری می‌کند. ۶۲/۴ درصد پاسخگویان بستگانی در سوئد داشته‌اند. در ادامه، تعداد شبکه فامیلی را سؤال کردیم که پاسخ‌ها بسیار متنوع بودند و نکته جالب مهاجرت با تمام ایل و تبار است که تا عدد اغراق‌آمیز ۵۰ نفر هم گزارش شده است. مصاحبه‌های عمیق و مشاهدات نگارنده در طول اقامت در سوئد نیز مؤید وجود شبکه فامیلی از مهاجران ایرانی بود.

مهاجرت از کشورهای جنوب به کشورهای توسعه‌یافته و یا اصولاً به هر کشوری با تفاوت فرهنگی آشکار می‌تواند مستلزم وارد شدن شوک فرهنگی ناشی از مهاجرت باشد. اولین و مهم‌ترین نکته‌ای که پس از ورود به سوئد توجه مهاجران را به خود جلب کرده، نظم و انضباط است که دو دلیل برای آن می‌توان ذکر کرد: به‌زعم نگارنده، دلیل اول آن است که حقیقتاً جامعه سوئد دارای نظم بالایی است و دلیل دوم این‌که وقتی مهاجر ایرانی از یک جامعه بی‌نظم وارد چنان محیطی می‌شود، نظم مذکور به‌طور مضاعف نیز ادراک می‌شود.

### خانواده، زناشویی و رضایت از زندگی

بررسی تأثیر مهاجرت بر مناسبات خانوادگی (درویش پور ۱۰۸:۲۰۰۳) یک موضوع مهم در جامعه‌شناسی مهاجرت است. در فرهنگ ایرانی نهاد خانواده از جایگاه والایی برخوردار است و در جریان مهاجرت این نهاد یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط محسوب می‌شود. میزان طلاق در بین مهاجران ایرانی جزء بالاترین نرخ‌های طلاق در سوئد به‌شمار می‌رود. بالاترین میزان طلاق در بین مهاجران در سوئد به‌ترتیب متعلق به شیلیایی‌ها، ایرانی‌ها، لهستانی‌ها، لبنانی‌ها، نروژی‌ها، عراقی‌ها، فنلاندی‌ها و ترک‌هاست. دلایل پایه‌ای افزایش طلاق میان مهاجران ایرانی عبارت‌اند از بحران مهاجرت، برهم خوردن قدرت دو جنس، خوددویزیگی جمعیت مهاجر و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب (درویش پور همان: ۱۰۹). در نمونه انتخابی هم شاهد این درصد بالا هستیم و بیش از یک‌سوم (۳۴ درصد) پاسخگویان تجربه طلاق دارند. همچنین بررسی بعد خانوار پاسخگویان نشان می‌دهد که درصد خانوارهای یک، دو و سه‌نفره نسبت قابل توجهی از خانوارها را دربرمی‌گیرد.

ایرانی‌ها از جمله گروه‌های مهاجری هستند که راحت‌تر به ازدواج‌های برون‌ملیتی<sup>۱</sup> تن می‌دهند و نرخ ازدواج با خارجی‌ها بین آنها در مقایسه با دیگر اقوام و ملیت‌ها، به‌ویژه در تمایل به ازدواج با افراد جامعه میزبان بالاست (جدول شماره ۱۰). یافته‌های تحقیق در خصوص

1. cross-national

جدول ۱۰. آمار مهاجران ایرانی سوئد براساس جنس و وضعیت ازدواج

	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مجرد	۱۹۹۹۶	%۷۴	۱۰۰۴۳	%۵۱	۳۰۰۳۹	%۶۴
متاهل	۷۰۲۴	%۲۶	۹۸۰۲	%۴۹	۱۶۸۲۶	%۳۶
جمع	۲۷۰۲۰	%۱۰۰	۱۹۸۴۵	%۱۰۰	۴۶۸۶۵	%۱۰۰
ازدواج با ایرانی‌ها	۶۰۱۶	%۸۶	۶۰۱۶	%۶۱	۱۲۰۳۲	%۷۲
با سوئدی‌ها	۷۰۶	%۱۰	۱۳۳۶	%۱۴	۲۰۴۲	%۱۲
با سایر ملیت‌ها	۳۰۲	%۴	۲۴۵۰	%۲۵	۲۷۵۲	%۱۶
جمع	۷۰۲۴	%۱۰۰	۹۸۰۲	%۱۰۰	۱۶۸۲۶	%۱۰۰

(مأخذ: حسین کلاجهی ۱۹۹۷: ۱۸۷)

میزان رضایت مهاجران ایرانی از روابط زناشویی و امور خانوادگی، فرزندان، کسب‌وکار، شهر محل زندگی و درآمد متفاوت است. علی‌رغم اهمیت زیاد نهاد خانواده برای ایرانیان، پاسخگویان در این مورد رضایت متوسطی را ابراز کرده‌اند! اما در مقابل ایرانیان از جمله گروه‌های موفق در زمینه اشتغال شناخته می‌شوند. ۳۷ درصد پاسخگویان از کسب‌وکار خود راضی و ۲۹ درصد نیز ناراضی هستند. یکی از جنبه‌های مهم رضایت اجتماعی، راضی بودن از شهر محل زندگی است. نزدیک به نیمی از پاسخگویان راضی و تقریباً به همین نسبت نیز ناراضی بودند و تفاوت محسوسی بین این دو نسبت مشاهده نشد. درآمد و رضایت از آن، از دیگر جنبه‌های مورد سنجش بود که حدود ۶۰ درصد از افراد از میزان درآمد خود اظهار نارضایتی کرده‌اند. در خصوص میزان رضایت از فرزندان به عنوان یکی از ارکان رضایت، با توجه به اهمیت رابطه والدین و فرزندان و انتظار نقش در این مورد و وابستگی شدید به خانواده و علاقه‌مندی والدین به سرنوشت فرزندان و انتظار تابعیت از دیدگاه‌هایشان، به سنجش این متغیر اقدام شد. در این خصوص داده‌ها نشانگر عدم رضایت معنی‌داری است. پس از سنجش رضایت در زیربخش‌های مختلف و مهم زندگی، میزان رضایت از زندگی به‌طور کلی مورد پرسش قرار گرفت که نتایج بیانگر میزان رضایت متوسط پاسخگویان است. می‌توان این میزان را با به‌کارگیری احتیاط لازم، با نتایج طرح ملی پیمایش ارزش و نگرش‌های ایرانیان مقایسه کرد. گروه‌هایی از مهاجران، مانند ترک‌های آلمان یا افغانی‌های ایران، مبالغ قابل توجهی از درآمد خود را برای بستگان یا فامیل خود در کشور مبدأ ارسال می‌کنند. ایرانی‌ها، علی‌رغم گردش مالی

بالا و نیز استقرار در مشاغل درآمدزا، کمتر در این خصوص شهره هستند اما با این حال، حدود یک‌سوم آنها به خویشان خود در ایران کمک مالی می‌کنند. همچنین نگارنده به گروهی از ایرانیانی برخورد کرده که به دلیل افزایش سریع قیمت ملک در ایران در سالیان اخیر، در این بخش سرمایه‌گذاری کرده بودند. امری که در اغلب کشورهای اروپایی مقدور نیست و پس‌انداز در سیستم بانکی هم، به دلیل شمول مالیات بر آن، به بیرون سوق داده می‌شود.

### دیدگاه مهاجران نسبت به جامعه میزبان (سوئد)

در امر سیاست‌گذاری و مدیریت مهاجرت، موضوع سازگاری برای مهاجران و بیشتر از آن برای جوامع مهاجرپذیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بین مهاجران این باور وجود دارد که ایرانیان با فرهنگ میزبان راحت‌تر کنار می‌آیند. بیش از ۷۳ درصد پاسخگویان مدعی هم‌آوایی تا حد زیاد و خیلی زیاد با جامعه جدید شده‌اند و مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های صورت‌گرفته نیز مؤید این نکته است. اما برخی دلیل گرایش ایرانیان به هماهنگی و هم‌شکلی را گروه‌گرایی (و نه جمع‌گرایی!) آنها دانسته‌اند و ضرب‌المثل «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» را نماد این گرایش می‌دانند (باستانی ۱۳۸۱: ۳۵).

میزان رضایت از جامعه جدید تابع متغیرهای چندی است، اما در این جا نیز در کنار عوامل اقتصادی مانند شغل و درآمد، میزان انطباق و تسلط بر زبان و سازگاری با فرهنگ مقصد می‌توانند تأثیرگذار باشند. میزان سازگاری و رضایت از جامعه میزبان بسیار بالاست و زنان بیش از مردان، نسل اول مهاجران بیش از تازه‌واردان، جوان‌ترها بیش از مسن‌ها (با افزایش سن عدم رضایت از بعد اجتماعی-فرهنگی و نه اقتصادی و تأمین اجتماعی، بیشتر می‌شود) در این مورد اظهار رضایت کرده‌اند.

در این خصوص قوانین مهاجرتی و سیاست‌های دول مهاجرپذیر بسیار مؤثرند و کشور سوئد در مجموع، از منظر سیاست‌های مهاجرتی، دارای رتبه بسیار بالا در بین کشورهای مهاجرپذیر در دنیاست. از نظر پاسخگویان، اگر شانس انتخاب مجدد برای اقامت داشته باشند، بالاترین انتخاب مربوط به سوئد، امریکا و ایران است. هرچند در مصاحبه‌ها و گپ و گفت‌های آزاد نگارنده، مهاجران از برخی تفاوت‌ها و تبعیض‌ها و نیز بی‌ریشه بودن در سوئد گلّه‌مند بودند، اما با فرض پذیرش خارجی بودن و یا مهاجر بودن، داده‌های فوق ثبت شده است. ۴۴/۶ درصد پاسخگویان به میزان زیاد یا خیلی زیاد به آینده امیدوار بودند که حاکی از امیدواری قابل توجه به آینده است، هرچند میزان امیدواری متوسط نیز (۳۸/۶ درصد) قابل توجه است.

## جدول شماره ۱۱. موفقیت مهاجران ایرانی در زمینه‌های مختلف

## در سوئد

امور	درصد موافقت با گزینه
موفقیت در زناشویی	۲۱/۸
موفقیت در تربیت فرزندان	۶۰/۴
موفقیت در اشتغال و کسب‌وکار	۸۵/۱
موفقیت در تحصیل	۹۴/۱
موفقیت در تهیه مسکن	۶۹/۳

پاسخگویان، ایرانیان را در حوزه‌های تحصیل، کسب‌وکار و تهیه مسکن موفق و در زمینه‌هایی چون خانواده و تربیت فرزندان کمتر موفق ارزیابی کرده‌اند (جدول شماره ۱۱). یکی از حس‌های آزاردهنده هر خارجی احساس عدم تعلق و بی‌ریشگی در جامعه مقصد است، که بارها در مصاحبه‌های اولیه و در قالب‌های مختلف تکرار می‌شد، برای نمونه در قالب: «هر چی باشه ما مال این‌جا نیستیم»، «این‌جا خیلی خوب است اما برای مردم خودش» و «ما این‌جا بی‌ریشه هستیم» ابراز می‌شد. علی‌رغم سازگاری بهتر ایرانیان (که پیش‌تر بدان اشاره شد) حدود ۴۰ درصد پاسخگویان خود را هنوز خارجی احساس می‌کنند. ایرانیان از جمله گروه‌های مهاجر خوش‌نام در اغلب کشورهای اروپایی و حتی آمریکا محسوب می‌شوند، هرچند این سخن را نباید مطلق تلقی کرد، اما به دلیل سطح سواد و تخصص و بنیه مالی، این داوری در مورد ایرانیان وجود دارد. در این‌جا بلافاصله باید قید کرد که این امر مستلزم سنجش دقیق نظر جوامع میزبان نیز هست. به‌زعم حدود ۷ درصد از پاسخگویان، نگرش سوئدی‌ها به مهاجران ایرانی منفی است و ۴۲/۶ درصد، نگرش سوئدی‌ها به مهاجران ایرانی را مثبت دانسته‌اند. به برداشت نگارنده، در سال‌های آتی این سرمایه اجتماعی (اعتماد، خوش‌نامی و نگاه مثبت) به دلایلی رو به کاهش خواهد رفت.

۱. ایرانیان در میان دیگر اقلیت‌های آمریکا رتبه بالایی در زمینه تحصیل و کسب موفقیت تجاری و علمی کسب کرده‌اند. طبق آمارهای موجود، ۹۲ درصد ایرانی‌ها خانه رهنی دارند (خرید خانه با وام بانکی)، ۸۴ درصد به‌خوبی به زبان انگلیسی مسلط هستند، ۲۲ درصد صاحب کار خود و ۴۸ درصد در خانواده‌هایی با دو نفر دارای درآمد زندگی می‌کنند. ۴۳ درصد در پست‌های مدیریتی و یا مشاغل حرفه‌ای مشغول به کارند. میانگین درآمد ایرانیان در آمریکا ۵۵۰۰ دلار است که با سطح درآمد متوسط در این کشور اختلاف زیادی دارد. ایرانیان، با ۲۶ درصد تحصیلات دانشگاهی تحصیل‌کرده‌ترین گروه مهاجر در آمریکا به‌شمار می‌آیند (کاماروتا ۲۰۰۷: ۱۹-۲۳).

## وضعیت تمایل به بازگشت و شرایط آن

معمولاً در تحقیقات مربوط به مهاجرت این پرسش که «آیا اگر شرایط و امکانات در کشور مبدأ فراهم باشد حاضر به بازگشت هستید؟» مطرح می‌شود. سؤالی مشترک که همواره در مورد مهاجران وجود دارد. این افراد در برهه‌ای و به دلایل چندی، یا از سر ناچاری و اجبار یا به خواست خود و داوطلبانه، تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. این امر که اکنون و پس از تجربه زندگی در دیگر کشورها آیا آنها حاضر به بازگشت به کشور خود هستند، همواره مورد توجه دولتمردان نیز بوده و در برخی مقاطع ستادها و دفاتر نیز، برای تسهیل بازگشت این گروه در نهادهای اجرایی در سطوح عالی مانند ریاست جمهوری، تشکیل شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، حدود یک چهارم پاسخگویان هرگز حاضر به بازگشت نیستند و حدود یک سوم از آنها نیز بازگشت را منوط به تحقق شرایطی دانسته‌اند و باید این گروه نیز به مجموعه اول اضافه شوند، ولی حدود ۳۸ درصد مایل به بازگشت بودند. نکته دیگری که در مصاحبه‌ها مشاهده شد بر این دلالت می‌کرد که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود این میل قوی‌تر و جدی‌تر مطرح می‌شود و در میان افراد جوان‌تر به ندرت این تمایل دیده می‌شود. به منظور مقایسه، در تحقیق لهستانی زاده (۱۳۸۳) از ایرانیان دبی، شرایط برای بازگشت مهاجران به شرح زیر عنوان شده بود: ۵۴/۲ درصد بهبود شرایط اقتصادی، ۲۴/۸ درصد گسترش آزادی‌ها، ۱۳/۳ درصد احساس امنیت و نهایتاً بهبود رابطه با کشور امارات را به عنوان شروط بازگشت ذکر کرده‌اند (لهستانی زاده ۱۳۸۳: ۳۶۴). در تحقیق مورخی<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در مورد افغانه ایران، فراهم شدن فرصت اشتغال، دسترسی به رفاه و تسهیلات ضروری شامل آموزش، بهداشت و برق و گاز، بهبود امنیت، کمک‌های بین‌المللی و ملی و حداقل سرمایه به عنوان شرایط بازگشت ذکر شده است (مورخی ۲۰۰۵: ۷۶).

## نتیجه‌گیری

قرن بیست و یک به عنوان عصر جریان‌های بزرگ مقیاس جابه‌جایی‌ها، چه به صورت اختیاری و چه اجباری، پیش‌بینی شده است و الگوهای مهاجرتی نیز بیشتر منطقه‌ای خواهد بود، هرچند مهاجرت‌های فرامنطقه‌ای نیز کماکان ادامه خواهد یافت (مارتین ۲۰۰۰: ۵۴). مهاجرت سبب چندفرهنگی شدن اغلب مناطق دنیا، به‌ویژه «شهرهای جهانی»، شده است: بسیاری از جوامع ملی و همه جوامع مادرشهر، از طریق مهاجرت وسیع نیروی کار (عمدتاً از

1. Movarekhi

پیرامون به مرکز اقتصاد جهانی)، چندفرهنگی شده‌اند (آکسفورد ۱۳۷۸: ۲۳۳). در این راستا، ایران در عین حال که یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای منطقه و جهان و میزبان بیش از ۳ میلیون پناهنده از کشورهای همسایه (افغانستان و عراق) بوده است، در عین حال خود کشوری مهاجرفرست به شمار می‌آید و حدود ۳ تا ۵ میلیون مهاجر ایرانی در اروپا و آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر نقاط جهان پراکنده‌اند. ترکیب غالب جمعیت ایرانیان مهاجر را نخبگان اقتصادی، علمی (ارشاد و جهرمی ۱۳۸۶؛ شریفی ۱۳۸۳) و فنی تشکیل می‌دهند که آن را از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حائز اهمیت دوچندان کرده است.

به‌طور خلاصه و با عنایت به نتایج این تحقیق، پژوهش‌های مشابه و مشاهدات محقق، ایرانیان مهاجر وضعیت علمی و اقتصادی بهتری در مقایسه با دیگر گروه‌های مهاجرتی دارند و حتی گاهی شاخص‌های اقتصادی و علمی آنها بالاتر از جامعه میزبان است. یکی از دلایل پدیده فوق، ویژگی‌های ایرانیان مهاجر از جمله جوان‌بودن، باسوادبودن، نوگرا بودن و نخبه‌گزین بودن است. جمعیتی از ایرانیان که دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند و در کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»<sup>۱</sup> مقیم هستند، معادل ۲۵ درصد کل افراد دارای تحصیلات عالی ساکن ایران است (ذاکرسالحی ۱۳۸۶: ۱۱۴ به نقل از ارشاد ۱۳۸۰). تعداد مهندسان ایرانی نوکیا<sup>۲</sup> در کوپنهاک و سونی اریکسون<sup>۳</sup> در لوند<sup>۴</sup> شاهد این مثال است.

در خصوص خانواده و زناشویی، زنان ایرانی قدرت سازگاری بیشتری با فرهنگ اروپایی دارند. یادگیری زبان، به عنوان کلید ورود به جامعه جدید، توسط زنان راحت‌تر از مردان صورت می‌گیرد و این امر یکی از برتری‌های جوانان (فرزندان) و زنان در جوامع میزبان و نیز ابزاری برای کسب امتیاز در رقابت با شوهران و والدین محسوب می‌شود. چالش بین زنان و مردان، طلاق و فروپاشی خانواده، مسئله جوانان و درگیری با هویت ایرانی از مسائل عمده مهاجران است. میزان طلاق در بین مهاجران ایرانی در سوئد، پس از شیلیایی‌ها در بالاترین رده قرار دارد و در میان جمعیت نمونه این میزان ۳۴ درصد است. همچنین با اتکا بر قوانین حامی زن، قدرت سنتی در خانواده‌های ایرانی به صورت جدی به چالش کشیده شده است. در کل، زنان مهاجران خوبی محسوب می‌شوند زیرا میزان توجه آنها به قوانین جامعه میزبان، بسیار بالاتر و ادغام آنها بیشتر و نیز اعتراض و ناراضی‌تانی‌شان نسبت به مردان کمتر است.

بیشتر مهاجران ایرانی (در نمونه انتخابی) در دهه هشتاد میلادی مهاجرت کرده‌اند. اما موج

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Nokia

3. Sony Ericsson

4. Lund

جدیدی از مهاجرت با هدف تحصیل و دسترسی به مزایای اجتماعی، حتی به صورت موقت، در حال ظهور است. مهم‌ترین موضوع مورد توجه مهاجران ایرانی در بدو ورود به سوئد، نظم و انضباط کشور میزبان بوده است. حدود نیمی از ایرانیان به شکل غیرمستقیم وارد سوئد شده‌اند و یک چهارم ایرانیان شهر خود را حداقل ۲ بار عوض کرده‌اند.

اجبار، علت اصلی مهاجرت بیش از نیمی از مهاجران بوده است. دلیل انتخاب سوئد برای ۳۲ درصد افراد، سکونت یکی از بستگان در سوئد قبل از مهاجرت وی بوده است (۶۲ درصد نیز در حال حاضر در سوئد فامیل دارند) و این موضوع مهاجرت تابعی (زنجان ۵:۱۳۸۰) را مطرح می‌کند. میزان سازگاری با جامعه جدید بسیار زیاد (۸۴ درصد از متوسط تا خیلی زیاد) و میزان رضایت از جامعه میزبان نیز (۸۳ درصد از متوسط تا خیلی زیاد) بسیار بالاست. مهاجران در صورت امکان انتخاب مجدد سوئد، آمریکا و ایران را مقصد خود انتخاب می‌کنند. بالاترین رضایت در میان متغیرهای خانواده، فرزندان، کار، شهر، در کل زندگی و درآمد متعلق به کار و اشتغال است. ویژگی ممتاز جامعه سوئد از نظر مهاجران به ترتیب امنیت اجتماعی و رفاه در کشور میزبان است.

پاسخگویان موفق‌ترین حوزه برای ایرانیان را در زمینه تحصیل، کسب‌وکار و اشتغال می‌دانند. درصد کسانی که خود را خیلی زیاد یا زیاد خارجی احساس می‌کنند بالا نیست (۱۲ درصد). ۳۴ درصد پاسخگویان به فامیل و خویشان خود در ایران کمک مالی می‌کنند و تنها حدود ۶ درصد، نگرش جامعه سوئد به اقلیت مهاجران ایرانی را منفی می‌دانند. بخش قابل توجهی میزان تحصیلات خود را در طول اقامت ارتقاء داده‌اند و سرانجام تنها ۳۷/۶ درصد آنها در صورت فراهم شدن شرایط حاضر به بازگشت هستند و ۲۵ درصد هرگز حاضر به بازگشت نیستند و ۳۱/۷ درصد پاسخگویان بازگشت را به مهیا شدن شرایط وابسته دانسته‌اند. در این جا برای مقایسه نتایج این بررسی با تحقیقات مشابه، به شرایط ایرانیان دبی برای بازگشت به نقل از لهستانی زاده (۱۳۸۳) اشاره می‌شود: ۵۴/۲ درصد بهبود شرایط اقتصادی، ۲۴/۸ درصد گسترش آزادی‌ها، ۱۳/۳ درصد احساس امنیت و نهایتاً بهبود رابطه با کشور امارات را به عنوان شرط بازگشت به ایران ذکر کرده‌اند (لهستانی زاده ۱۳۸۳: ۳۶۴). همچنین در مطالعه عباسی و همکاران (۲۰۰۸) جوانان افغان (نسل دوم) بر دستیابی به آموزش، اشتغال و نیز تسهیلات زندگی به عنوان شرط بازگشت اشاره کرده‌اند (عباسی ۲۰۰۸: ۵۹). اما نتایج یک مطالعه درباره افغانه (مورخی ۲۰۰۵) بیانگر تفاوت محسوس میان توجه ایرانیان به شرایط فرامادی برای بازگشت است. درحالی‌که مهاجران افغان بیشتر بر نیازهای اساسی تأکید دارند.

در پایان پیشنهاد می‌شود با نگرش ردیابی و نگاه بین‌رشته‌ای، جمعیت‌شناسی،

جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و سایر رشته‌ها، مهاجرت و مسائل اجتماعی ایرانیان در جوامع مقصد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه‌ی مسائلی مانند سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی، نظام خانواده و زناشویی و «ازدواج‌های از راه دور» و مسائل نسلی، هویت و نظایر آن می‌تواند فتح‌بایی برای پژوهشگران علوم اجتماعی ایران باشد.

## منابع

- آکسفورد، باری (۱۳۷۸) *نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ*. ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ارشاد، فرهنگ و مجتبی حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۶) «بررسی عوامل بیرون‌کوچی نخبگان علمی ایران»، *فصلنامه توسعه انسانی*، شماره سوم، دوره اول، صص ۷ تا ۳۰.
- باستانی، محمد (۱۳۸۱) *آشنایان غریب، نمونه‌ای از زندگی نسل دوم ایرانیان مهاجر در اروپا*، انتشارات نگاه معاصر، تهران.
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و عنبری، موسی (۱۳۸۳) «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳.
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و علی‌بابائی، یحیی (۱۳۸۱) «بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجران افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۷۱ تا ۹۰.
- خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۵) «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به مهاجرت»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۱، سال سوم، صص ۴۷ تا ۸۱.
- درویش‌پور، مهرداد (۲۰۰۳) *چالشگری زنان علیه مردان*، انتشارات باران، استکهلم، سوئد.
- ذاکرسالچی، غلامرضا (۱۳۸۶) «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۱۳ تا ۱۳۵.
- ذکائی، محمدمسعود (۱۳۸۵) «جوانان، جهانی‌شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۴۱ تا ۷۵.
- رهبر، سعید (۱۳۷۶) *نگاهی دیگر به دیاری کهن گزیده‌ای از ۴۵ نوشتار*، نشر باران، سوئد.
- زنجانی، حبیب‌اللہ (۱۳۸۰) *مهاجرت*، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱) *جمعیت و توسعه - مجموعه مقالات*، چاپ پژمان.
- سایت مرکز آمار سوئد: [http://www.scb.se/payes/search\\_26371.aspx](http://www.scb.se/payes/search_26371.aspx)
- شریفی، منصور (۱۳۸۳) «بررسی گرایش به مهاجرت از کشور در اساتید دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف»، *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۴۸۷-۵۰۴.
- کازمی‌پور، شهلا (۱۳۸۶) «تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۳۰ تا ۱۴۸.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳) «مهاجرت نیروی کار از ایران به امارات متحده عربی»، *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و

اقیانوسیه، صص ۳۵۸-۳۶۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.

میرزائی، محمد (۱۳۸۴) جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

نقدی، اسداله (۱۳۸۶) حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (جهان چهارم)، انتشارات فن‌آوران، همدان.  
هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۷) چالش اسپانیولی‌زبانان، ترجمه سارا احمدی، سایت باشگاه اندیشه.

Abbasi-Shavazi, Jalal et al (2008) *Second-Generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return*, UNHCR & EC.

Bevelander, Pieter & Per Broome (2008) *From Crane to Torso*, Malomo University.

Bevelander, Pieter (1999) "The Employment Integration of Immigrants in Sweden", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, vol. 25, No. 3:445-468.

Brettell, B.Caroline & James, F.Hollified (2008) *Migration Theory, Talking Across Disciplines*, Routledge.

Camarota, Steven A. (2007) Immigrants in the United States: A Profile of America's Foreign-Born Population Studies: Backgrounder Center for Immigration Studies, November 2007, pp. 19-23.

Castles, Stephen & Mark J. Miller (1998) *The Age of Migration*, MacMillan Press.

Hosseini, Hassan (1977) *Iranian in Sweden*. Stockholm University.

Hosseini-Kalajahi, Hassan (1997) *The Age of Migration*, Stockholm University.

Iranian Studies Group at MIT (2004) "Analysis of US Census Data on the Socio-Economic Status of Iranian-Americans".

Lundh, C. & Ohlsson, R. (2004) *From Labor Import to Refugee Immigration*, SNS, Stockholm.

Martin, Susan, F. (2000) *World Migration Report*, IOM, UN.

Movarekhi, N. (2005) *Case Studies of Afghans Living in Tehran and Qazvin, Islamic Republic of Iran*, Geneva, Report Prepared for the International Migration Programme, International Labour Office, November.

Ohlsson, R. (1975) *Immigrants in the Labour Market*, Lund University.

Parrenas, Rehecel, Slazar (1999) *Servants of Globalization*, Stanford University Press.

Sassen, Saskia (2001) *The Global City*, New York, London, Tokyo, second edition, Perceton University Press.

Statistics Sweden's Website: <http://www.scb.se/>

Sweden's Statistics Databases: <http://www.ssb.scb.se/>

Schon, L. (1996) *Malmo from Crises to Growth*, BPR, Malmo.

UN (2003) "Managing Migration-Challenges and Responses for People on th Move", *World Migration Report*, IOM, World Migrations Report Series.

Wickramasekara, Piyasiri & et al (2006) "Afghan Households in Iran: Profile and Impact", International Migration Programme, International Labour Office, ILO-UNHCR, Geneva.